

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نادر نظری

۲۲ می ۲۰۱۶

مکتبی بر نوشته استاد "محمد ظریف امین یار"

شخصی که در مقالاتش خود را "استاد محمد ظریف امین یار" معرفی می نماید، تا کنون دو نوشته در باره "جنبش روشنایی" در سایت ها به نشر رسانده است. "سقوط افغانیت در لندن" و "چگونگی و برآیند جنبش روشنایی". این دو نوشته به جای این که تحلیل و ارزیابی از موضوع باشد، نوعی بیانیه و یا موضع گیری سیاسی است که از جانب نویسنده ارائه می گردد.

در رسانه های انترنیتی، مسأله برق ۵۰۰ ولت و واقعه لندن از دو محور مورد بحث قرار گرفته است. از زاویه خرد ورزی و فرا قومی، و از منظر تعصب قومی و قبیله گرایی. نوشته آقای "ظریف" از نوع دوم آن است. زیرا در نوشته ایشان هیچ اثری از کاوش و تحلیل سیاسی دیده نمی شود که در قبال قضایا، علمی و منطقی برخورد کرده باشد. مثلاً ایشان عامل اساسی ضدیت با پروژه توتاب توسط هزاره ها را تحریک و توطئه ایران میدانند و نه مربوط به مسأله داخلی!

من درین نوشته، ابتداء به پاره ای از سطحی نگری سیاسی جناب "محمد ظریف امین یار"، اشاره می کنم و پس از آن مطلبی هم در باره دیدگاه فلسفی وی به مسایل "ارزش و اخلاق" می پردازم.

مسایلی مثل "ملی گرایی"، "اصولیت افغانیت" و برخی از مسایلی که جناب ایشان طرح و تعریف کرده است، را می گذارم به سلسله جواب های بعدی. زیرا در نوشته های ایشان ؛ تحلیل های سیاسی نادرست و ساده انگاری های سطحی زیاد دیده می شود که نباید از کنار آن بسادگی عبور کرد. اکنون می پردازم به پاره ای از تحلیل ها، استدلالات و گزارش های غلط و نادرست وی از جنبش روشنایی.

تحریف واقعیت ها و پریشان گویی های امین یار

وی نوشته است که ایران در پیوند به این پروژه، دست به استخدام یک تیم قابل اعتماد می زند که لیست اکثریت سران سیاسی هزاره ها و بعضی سیاستمداران دیگر تاجک و پشتون نیز شامل این تیم بوده اند!

این که ایران مستقیماً دست به استخدام چنین تیم قابل اعتمادی زده و حتا لیست آن نیز به جناب "ظریف" رسیده و اسامی هزاره و تاجیک و پشتون در آن لیست سری درج بوده است، لابد خود استاد "ظریف" هم یکی از اعضای سازمان استخباراتی اطلاعات ایران است، وگرنه از کجا به چنین اسنادی دست یافته است؟ با آنهم اگر این اسناد ارائه می شد، ما گمان می کردیم که جناب "ظریف" زد و بند هائی با اطلاعات ایران دارد اما اکنون چنین حدس زده بلکه ایشان را نویسنده پریشان گو می پنداریم.

جالب این است که وقتی ایران دست به سازماندهی سالگرد مرگ "امام خمینی" در کابل می زند، با آنهمه امکاناتی که برای این امر پخش می کنند، قادر نیستند چند صد نفر را برای تظاهرات بکشاند، اما در تظاهرات جنبش روشنائی چند میلیون نفر را به جاده ها سوق می دهند!

با وجودی که تظاهرات جنبش روشنائی در کابل، یکی از منظم ترین و مسالمت آمیز ترین تظاهرات در تاریخ تظاهرات کابل بوده است، اما آقای "محمد ظریف امین یار"، مثل این که با هزاره ها پدر کشتگی داشته و چنین اتهاماتی را نثار مظاهره کنندگان می کند. ببینید ایشان چه نوشته اند:

"... در حین تظاهرات حضور معتادین و اوباشان باعث شد عده ای از مظاهره کنندگان بالای خانه های مردم حمله کنند و شیشه های آنها را بشکنانند. لواپچ ترافیکی را خراب و تکه تکه کنند، لین های برق بالای خانه ها را قطع کنند، صندوق های برق خانه های مردم با سنگ های بزرگ تکه تکه شوند، جاده ها با کلوخ و سنگ پر شود، برای تاجک ها و پشتونها دشنام داده شود، چند تن خبرنگاران داخلی و خارجی لت و کوب گردد، کمره هایشان چور شود، و دار و ندار کنار جاده را که غریب کارانی بیش نبودند ویران کنند. همچنان نیروهای امنیتی را زخمی و از آنان با سنگ ها استقبال شود و به ده ها جنایت و آشوب دیگری دست زده شود. این موضوعات در کل تأثیر منفی برجانبش روشنائی و هزاره ها دارد."

ازین جملات آقای "امین یار" نه تنها تعصب و عقده می بارد، بلکه حماقت و ساده لوحی آن آشکار و هویدا است. زیرا نوشته است که شرکت معتادین و اوباشان در تظاهرات باعث شد تا عده ای از مظاهره کنندگان بالای خانه های مردم حمله کنند. یعنی شرکت بیش از چند میلیون معتاد و اوباش سبب شد تا مظاهره کنندگان نتوانند تظاهرات را کنترل کنند. طبق تحلیل "محمد ظریف امین یار"، تعداد معتادان و اوباشان بیش از شرکت کنندگان تظاهرات بوده است و عاقبت کنترل را معتادین و اوباشان به دست گرفته است!

آقای "امین یار" نوشته است که حامیان پروژه لین ۵۰۰ ولت، از بامیان - وردک، نتوانسته اند دلیل منطقی ارائه کنند اما از جانب کارشناسان شرکت برشنا، معلومات تخصصی و کارشناسانه علمی اقتصادی ارائه گردیده است. در قبال این ادعای "امین یار"، ما که رسانه ها را دنبال می کنیم، موضوع کاملاً به عکس است. چه خوب بود که آقای "امین یار"، ما را ازین معلومات تخصصی آگاه می ساخت و صرفاً بیانیة سیاسی نمی نوشت و شعار نمی داد.

از نظر آقای "محمد ظریف امین یار"، کار حامیان پروژه لین ۵۰۰ ولت، از مسیر بامیان- وردک کابل، یکسره توطئه بوده است. زیرا وی نوشته است که تظاهرات ضد داکتر "غنی" و ضد کمک به افغانستان از جانب هزاره ها در لندن توسط مدیر انستیتوت (RUSI) که یک انگلیس پاکستانی الاصل به نام سجاد است، راه اندازی شده و سجاد قبلاً با سازمان استخباراتی پاکستان کار کرده است. جناب "امین یار" معتقد است که همین پنج معترض در کنفرانس لندن توسط سجاد پاکستانی سازماندهی گردیده است!

راستش آدم ازین تحلیل های کودکانه شاخ در می آورد. زیرا مدیر این انستیتوت (RUSI) هم زمینه چنین کنفرانسی را فراهم می کند و هم از جانب دیگر پنج نفر را برای مختل کردنش سازمان می دهد.

آقای "ظریف امین یار" از یک جانب لیست تیم ایران را برای جنبش روشنائی افشاء می کند اما از جانب دیگر پای انگلیس و پاکستان را نیز به این کیس علاوه کرده است. خدا عاقبت ما را بخیر کند با اینگونه نویسندگان و استادان سیاست مدار و جامعه شناس!

درک نادرست از مبارزات مدنی و ارزشهای اخلاقی

یکی از درکهای نادرست دیگر آقای "محمد ظریف" این است که میان ارزش و اخلاق تفاوت قایل نیست. وی ارزش را مترادف با اخلاق معرفی نموده و هر دو را مردمی می خواند. گو اینکه هر چه ارزش بوده، هم اخلاقی است و هم مردمی. در حالی که ممکن است یک چیز ارزشی باشد ولی اخلاقی نباشد. زیرا اخلاق و ارزش بستگی به بینش جوامع انسانی دارد. در جامعه عقل گرا، حوزه اخلاق همواره رشد و تکامل می نماید. در حالی که در جامعه سنتی و غیر خرد مند، ارزش ها؛ اخلاقی باقی می ماند و رشد نمی کند. یعنی ممکن است یک چیز ارزشی باشد اما اخلاقی نباشد. از جمله حفظ آبروی قبیله و عدم افشای آن خارج از قبیله ارزشی است اما به هیچ وجه اخلاقی نیست. اخلاق در شرایط فعلی به پدیده های گفته می شود که آن پدیده ها در امر خدمت به جامعه انسانی قرار بگیرد. بناء پنهان کردن یک سلسله مسایل مضر و منفی؛ با توجیه به این که آبروی فلان شخص و فلان قوم برده نشود، ارزشی است اما اخلاقی نیست. در جوامع مدرن، این آزادی های بیان است که دست به یک سلسله مسایل افشاگرانه می زند تا از دل آن مشکلاتی بیرون بیاید که حل آن برای جامعه کمک کند. مثلاً از دل افشاگری های کودک آزاری در درون خانواده، قانون مصونیت کودکان در سطح جهان به وجود آمد و به اخلاق بدل شد. از دل افشاگری های آزار و اذیت جنسی بر زنان، قانون منع خشونت بر زنان بیرون شده است. بتازگی در فرانسه، دست به افشاگری زده اند که ادارات دولتی و ادارات خصوصی زنان کارمند را مورد اذیت جنسی قرار می دهند. این افشاگری سبب شده که زنان بعد از این در ادارات دولتی از اذیت و آزار جنسی مصون بمانند. زیرا تا کنون آزار جنسی به شیوه خشن و جبری آن شناخته شده بود اما آزار جنسی غیر خشن و جبری آن نا شناخته باقی مانده بود.

در جوامع مدرن، به پدیده های اخلاقی گفته می شود که آن پدیده ها در خدمت همه انسانها قرار بگیرد و نه در خدمت فرد و مجمع و قبیله خاص. به همین دلیل امروز نه تنها مسایل سیاسی و اجتماعی از درون کشور ها به بیرون کشانده می شود، بلکه مسایل خانوادگی و خصوصی نیز رسانه های شده در انتظار عمومی مطرح می شود تا جامعه در قبال آن آگاهی کسب نموده بخشی از ارزشها را از میان ببرد و برخی از ارزشها را به اخلاق بدل کند. مثلاً حفظ و پوشیده گذاشتن اختلاف میان یک خانواده و عدم افشای آن در افغانستان ممکن است یکی از ارزشها باشد؛ اما در جامعه مدرن چنین نیست. اگر همسایه ببیند که همسایه دیگری بر زن و کودکش ستم کرده آنها را مورد لطمه و کوب و یا خشونت کلامی قرار می دهد، اخلاق این است که سکوت نکرده و موضوع را به بیرون بکشاند. در حالی که در افغانستان به عکس است. زیرا عدم افشای اختلاف خانواده ها؛ یکی از ارزشهای اخلاقی محسوب می گردد.

اگر جناب "ظریف" ببیند که همسایه او در پغمان و یا هر جای دیگر، مشغول جنگ و نزاع هستند، اخلاق همسایه داری به وی چنین حکم می کند که از کنار آن گذشته موضوع را نادیده بگیرد. اما همین موضوع نادیده گرفتن در جوامع مدرن، یک عمل غیر اخلاقی محسوب می گردد. زیرا در پغمان، جان انسانی که شکنجه می شود، مهم است و نه سنت مخفی کردن. امروز در رسانه های جمعی تلویزیون و رادیو ها؛ مسایل و مشکلات خانودگی و از جمله ضعف و مشکلات جنسی علناً توسط مردان و زنان مطرح می شود تا راه های حل و علاج برای عموم در نظر گرفته شود.

با توجه به مبحث فوق، پدیده های ارزشی و اخلاقی از هم تفاوت دارد. زیرا ارزشها در میان جوامع سنتی، به کندی به ضد ارزش و ضد اخلاق بدل می شود. اما در جوامع مدرن، به هر پدیده ارزشی، اخلاق گفته نمی شود. مثلاً حفظ حجاب در جوامع سنتی اسلامی؛ هم ارزش است و هم اخلاق اما همین حجاب در میان مسلمانان ساکن در غرب، ارزش است اما اخلاق نیست. چرا که اخلاق در جوامع مدرن، آزادی در پوشش و انتخاب برای زنان است. زیرا آزادی در پوشش و انتخاب، همه زنان را در بر می گیرد.

این که جناب "امین یار"، پدیده های ارزشی، اخلاقی و مردمی را پشت سر هم قطار می کند تا به آن صبغه تقدس بدهد، مبین بیگانه بودن او به این پدیده هاست. ممکن است یک پدیده مردمی باشد، اما در عین حال بسیار منفی و زشت باشد. یک پدیده ممکن است، ارزشمند باشد، اما یک امر بسیار ناپاک و پلشت باشد. بناءً ما از هر پدیده ارزشی و مردمی حمایت نمی کنیم و نباید حمایت کنیم. ما باید از اخلاق انسانی که جنبه همگانی با استاندارد شده جهانی باشد حمایت و پشتیبانی کنیم. اخلاق استاندارد شده جهانی به ما الهام می دهد که انتقاد از هر فرد حق یک شهروند است. خواه این انتقاد از فرد عادی باشد و خواه از یک رئیس جمهور.

دروغهای شاخدار "اشرف غنی" را نه تنها هزاره ها، بلکه تمامی شهروندان افغانستان و از جمله پشتونها بار ها در افغانستان و در سطح جهان توسط رسانه ها مطرح کرده اند. اعتراض علیه "اشرف غنی" در حضور وی اولین بار توسط چند تن از معترضین ابتکار جدید است. ماباید ازین تاکتیک فشار استفاده کنیم.

در مسایل سیاسی، چه در سطح گروه ها و احزاب و چه در سطح کشور ها، مخفی نگهداشتن امور، دیگر دورانش گذشته و رسانه ئی شدن و شفافیت امور، گزینه خوبی برای جلوگیری از هرگونه فساد و نابسامانی از نهاد ها، دوایر دولتی و در سطح کل جامعه محسوب می گردد. امروز رسانه های جمعی اهرم خوبی برای کنترل و مهار سیاستمداران گردیده و تا حدودی جلو فساد اداری، ارتشاء، اختلاس و دست بردن به اموال دولتی، گرفته شده است. رسانه ئی شدن و افشاگری از فساد و باند بازی ها چه توسط رسانه های رسمی و چه سایت هائی مثل ویکیلیکس و اسناد پانامائی و غیره، دست و پای مفسدین دولتی و غیر دولتی را می گیرند. هر عنصر آگاه و انسان متعهد باید ازین تاکتیک ها برای کنترل و مهار سیاستمداران استفاده کنند. اعتراض مقابل رئیس جمهور "غنی" در لندن را باید جناب "محمد ظریف امین یار"، حمایت و پشتیبانی کند. زیرا مقامات دولتی اگر فشار جهانی و ترس از محاکمه های بین المللی نباشد؛ دمار از روزگار مردم در می آورند. بناءً اعتراض مقابل "غنی" باید به یک تاکتیک مبارزاتی در سطح بین المللی بدل شود تا وی و باقی مقامات دولت برحال و آینده احساس پاسخ دهی نمایند.

ما باید سعی کنیم، پدیده هائی را که به نام ارزش در جامعه جا باز کرده شناسائی کنیم. حفظ و مکتوم نگهداشتن سیاست های غلط و نادرست توسط رئیس جمهور، ارزش نیست. ارزش این است که ما این سیاست ها را به شکلی از اشکال افشاء کنیم. اگر افشای آن در سطح کشوری کار برد داشت، در سطح کشوری افشاء کنیم اما اگر در سطح کشوری کار برد نداشت، تمام سعی و تلاش ما این باشد تا در سطح جهانی هرگونه مظالم اجتماعی که بر هر فرد و شهروند افغانستان توسط عمال دولتی اعمال می گردد، افشاء بنمائیم و ازین طریق فشار مضاعف خود مان را بر دولت بیفزائیم.

یادداشت:

ما قبلاً با اعلام حمایت سیاسی از نوشته ای که آقای "وطن دوست" برای ما فرستاده بود و به دنبال آن تنی چند از متصدیان و همکاران قلمی پورتال نظرات شان را به صورت کتبی و شفاهی بیان داشتند، با قاطعیت و شفافیت کامل ابراز داشتیم که پروژه هائی از نوع پروژه انتقال برق که به وسیله "بانک جهانی"، "صندوق بین المللی پول" و

مؤسسات مشابه بر مردم ما تحميل می گردد، به هیچ وجه منافع علیای مردم و کشور را نمایندگی ننموده، در کل با مستحکمتر ساختن جای پای استعمار، کشور ما را به یک مستعمره مقهور مبدل می سازد.

بر همین مبنا نه تنها به خود هیچ گاهی اجازه نمی دهیم تا آگاهانه و یا هم غیر آگاهانه لب به دفاع از پروژه های اسارت آور امپریالیستی بکشائیم، از تمام همکاران قلمی ما نیز صمیمانه خواهش می نمائیم تا توانائی های قلمی شان را در جهت افشای ماهیت استعماری و اسارت آور چنین پروژه هائی به کار برده، از این طریق ضمن کوبیدن مشیت محکمی بر دهان تمام آنهائی که می خواهند باز هم اوضاع دهه هفتاد خورشیدی شهر کابل را بر تمام افغانستان گسترانیده از آن طریق خون هزاره، ازبک، تاجیک، پشتون، بلوچ و ... این کشور را بریزانند، امپریالیسم جهانی را نیز در تطبیق برنامه هایش ناکام بسازند.

اداره پورتال AA-AA